



نگاهی به کارنامه تامین اجتماعی در استان‌ها

زیر نظر شورای سیاستگذاری
مجری: مؤسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
خبرنگار اعزامی: رضا خراسانی
عکاس: رضا عبدالپور
تلفن: ۶ - ۸۸۵۱۷۰۸۵ نمابر: ۸۸۵۱۷۰۸۷



با تشکر از همکاری ارزشمند حمیدرضا نایب خسروشاهی
همکار روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان آذربایجان شرقی
که بدون یاری او، تهیه این ویژه‌نامه میسر نبود

گفت‌وگو با کارگر نمونه سال ۱۳۹۶ استان آذربایجان شرقی

توجه به توان و استعداد نیروی کار، انگیزه تلاش را دوچندان می‌کند

مهندس پورعلی افزود: «ما سپس نمونه‌ها را برای خودروساز ارسال کردیم که روی خودرو نصب و آزمایش‌های پیمایش با طی حدود ۴۰ هزار کیلومتر که حدود یک سال و نیم طول کشید، انجام شد. نهایتاً بازخورد نتایج آزمایش و پیمایش، به شکل نامه تأییدیه به دستمان رسید که در آن اعلام شده بود می‌توانید فاز تولید انبوه این محصول را شروع کنید و از آبان ماه سال گذشته، تولید تجاری گیربکس جدید در این شرکت آغاز شد.»

وی گفت: «وزارت کار برای جشنواره امتنان که هر سال در اردیبهشت ماه برگزار می‌کند، فراخوان داده بود که ما هم در این جشنواره با چند پروژه مختلفی که داشتیم ثبت‌نام کردیم. داوران کارها را ارزیابی کردند و در مرحله نهایی گیربکس طراحی شده توسط این واحد انتخاب شد و من به عنوان کارگر نمونه سال ۹۶ از اداره کل کار استان و سازمان صنایع استان، لوح تقدیر با امضای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دریافت کردم.»

این کارگر نمونه افزود: «بعد از این جشنواره، مدیریت مجموعه چرخشگر هم از من تقدیر کردند و بعد پروژه‌های تازه‌ای را آغاز کردیم و اکنون احساس می‌کنم به لطف مدیرعامل و هیات‌مدیره شرکت چرخشگر، زمینه برای فعالیت و پیشرفت مهیا شده است.»

وی تصریح کرد: توجه به توان و استعداد نیروی کار و فراهم ساختن بستر مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها، انگیزه تلاش را دوچندان می‌کند.»

تولید، کنترل و غیره، فرایند تولید آن نمونه آغاز می‌شود. مهندس پورعلی افزود: «در سال ۸۲ بخش پژوهش و توسعه شرکت چرخشگر تأسیس شد که با توجه به انتقال و کسب دانش فنی از طریق شرکت (ZF) آلمان که شریک تجاری شرکت چرخشگر است، فعالیت‌های طراحی را آغاز و سایر اطلاعات و دانش مورد نیاز برای طراحی محصولات را از جمله نگارش انواع نرم‌افزارها به تدریج کسب کردیم.»

وی ادامه داد: «یکی از محصولات که ما طراحی و تولید کردیم، گیربکس وانت نیسان است که نوع «نیسان آبی» آن را همه می‌شناسند، ولی شرکت نیسان، وانت نیسان‌های دیگری هم تولید کرده که در آنها پلتفرم‌ها متفاوت و متناسب با آن پلتفرم، موتور خودرو هم تغییر کرده است.»

رییس واحد طراحی در بخش پژوهش و توسعه شرکت چرخشگر افزود: «نماینده‌ی شرکت زامیاد در ایران، موتور خودروی نیسان را از خارج وارد می‌کرد و درصدد بود گیربکس آن را هم وارد کند. اما قبل از آن از ما استعلام کرد و ما اعلام کردیم که توانایی طراحی و تولید گیربکس‌های جدید را داریم.»

وی ادامه داد: «ما با دانش فنی خود که طی سال‌ها کسب کرده‌ایم، گیربکس قبلی را توسعه دادیم و از یورو ۲ به یورو ۴ تبدیل و گیربکسی که برای شرایط خودرو و موتور جدید مناسب باشد، طراحی کردیم. بعد ۳ نمونه از طرح اولیه را ساختیم و ابتدا خودمان آن را با انواع دستگاه‌هایی که داریم مورد آزمایش قرار دادیم.»

«خلیل پورعلی»، رییس واحد طراحی در بخش پژوهش و توسعه شرکت چرخشگر که به عنوان کارگر نمونه استان در سال ۹۶ مورد تجلیل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان صنایع استان قرار گرفته، معتقد است «اینکه کسی احساس کند در محیط کار دیده می‌شود و فعالیت‌هایش مورد تقدیر و تجلیل قرار می‌گیرد، انگیزه‌اش برای کار، نوآوری و تلاش بیشتر می‌شود.»

وی در گفت‌وگو با ویژه‌نامه استانی آتی‌نو، گفت: «شرکت چرخشگر در سال ۴۸ تأسیس شده و موضوع فعالیت این شرکت تولید و ساخت و واردات سیستم‌های موتور و محرکه خودروها مثل موتور، گیربکس، دیفرانسیل، اکسل، جعبه فرمان و غیره و همچنین ملحقات مربوط به ماشین‌آلات و ابزارآلات و مواد اولیه و تجهیزات و قطعات یدکی و فروش و صادرات محصولات صنعتی از هر نوع است.»

وی افزود: «این شرکت محصولات مختلف و متنوعی تولید می‌کند و تمام فعالیت‌های طراحی و تولید، بر اساس نیاز مشتری است و عمده مشتری‌های شرکت هم خودروسازان هستند.»

این کارشناس ارشد مکانیک از دانشگاه تبریز ادامه داد: «شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی معمولاً در کنار واحدهای تولیدی، واحد مهندسی هم برای طراحی محصولات جدید در نظر می‌گیرند. شرکت ما هم کارهای مختلفی انجام می‌دهد ولی پژوهش و توسعه خط مقدم این شرکت است که طراحی می‌کند و نمونه را می‌سازد و بعد با کمک واحدهای مختلف



اینکه کسی احساس کند در مجموعه کاری دیده می‌شود و فعالیت‌هایش مورد تقدیر و تجلیل قرار می‌گیرد، انگیزه‌اش برای کار، نوآوری و تلاش بیشتر می‌شود

پای صحبت بازنشسته‌ای که راضی به استفاده غیر حق از منابع تامین اجتماعی نشد

گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود

وقتی دارم چای می‌نوشم، چشمم به تابلوی بالای سرش می‌افتد که بی‌تی از حافظ را با خطی خوش نوشته: «بر در شاهم، گدایی نکته‌ای در کار کرد / گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود» آقای منافی به بحث حلال و حرام که می‌رسد، لحنش جدی‌تر می‌شود و ابروهایش در هم می‌رود: «هن صندوق تامین اجتماعی را حقیقتاً و ذاتاً حق الناس می‌دانم و به همین خاطر خیلی برای من دغدغه شده بود که سنوات ارفاقی مربوط به دو سال پایانی اشتغالم حرام است و نمی‌توانم چنین پولی را وارد زندگی‌ام کنم. البته همه مدارک به نفع من و همه چیز هم قانونی بود، حتی سال ۹۴ از شعبه تامین اجتماعی به من اعلام کردند که با مراجعه به شعبه و اعلام ترک کار، حکم بازنشستگی‌ام را دریافت کنم. اما من احساس دین می‌کردم و می‌گفتم این حق من نیست. بنابراین خودم به اداره کل تامین اجتماعی استان مراجعه کردم و جریان را توضیح دادم.»

بلند می‌شود و دوباره استکان‌های مان را از چای داغ پر می‌کند و توضیح می‌دهد: «از طرف دیگر من از ۱۵ سالگی کار کرده بودم ولی چندین سال، سابقه کار من لحاظ نشده بود. با دوستان در تامین اجتماعی این دو دغدغه‌ام را مطرح کردم و آنها هم لطف کردند و آن دو سال که حق من تضييع شده بود و آن دو سالی که به ناحق مزایای شغل سخت و زبان‌آور شامل من شده بود را محاسبه و از هم کم کردند، بعد هم مابه‌التفاوت ریالی این محاسبه را که حدود یک و نیم میلیون تومان بود به من اعلام کردند و من هم این مبلغ را به شماره حساب تامین اجتماعی واریز کردم.»

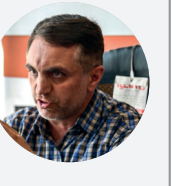
آهی از سر آسودگی می‌کشد و ادامه می‌دهد: «تنها به این یک و نیم میلیون ختم نشد. من با اینکه می‌دانستم اگر در پایان سال ۹۴ بازنشسته شوم افزایش مستمری سال بعد به من تعلق می‌گیرد، ولی از آن چشم‌پوشی کردم. ۵ ماه دیرتر بازنشسته شدم و ۵ ماه بیشتر حق بیمه پرداخت کردم که در کل حدود ۶ میلیون تومان می‌شود. ضمن اینکه یک سال افزایش سنواتی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران برای من عقب افتاد، اما احساس می‌کنم دینم را به این صندوق که منابع آن در حکم حق الناس است، به شکل کامل ادا کرده‌ام.»

از مغازه کوچک کفش‌فروشی که بیرون می‌آیم، مدام از خودم می‌پرسم یعنی هنوز هم در این روزگار وانفسا این طور آدم‌ها پیدا می‌شوند؟ هستند کسانی غیر از آقای منافی که وقتی به حق و ناحق و حلال و حرام می‌رسند به ندای وجدان‌شان گوش کنند؟ حتما هست، حتما هست. گفت بر هر خوان که بنشستم خدا رزاق بود.

در بازار تبریز، بازارچه‌ای است که محل تولید کفش سنتی تبریز است، کفشی که شهرت آن از مرزهای ایران نیز فراتر رفته است. در این بازارچه سراغ آقای منافی را می‌گیرم؛ حسین منافی باغمیشه. او را درون مغازه کوچک کفش‌فروشی خانوادگی‌اش که حالا پاتوق روزهای بازنشستگی او شده، پیدا می‌کنم. با اینکه بازنشسته تامین اجتماعی است ولی ظاهرش چندان به بازنشسته‌ها نمی‌خورد. همین را بهانه می‌کنم و از او می‌پرسم کار در حوزه کفش را از کی و کجا شروع کرده است. به زبان فارسی که ته لهجه شیرین ترکی دارد، می‌گوید: «پدرم در بازار تبریز به شغل کفافی مشغول بود و من هم از ۱۳ سالگی، کار را در کنار او شروع کردم. از ۱۵ سالگی هم مرتباً و به شکل حرفه‌ای کار کردم و پستاساز بودم.» در اصطلاح کفافی‌ها، به رویه کفش «پستا» و به کسی که این بخش از کفش را می‌سازد؛ می‌دوزد و می‌چسباند، «پستاساز» می‌گویند.

بعد برای اینکه حسابی با موضوع آشنایم کند، کفشی از طبقه‌ای برمی‌دارد و قسمت‌های مختلف کفش را برایم توضیح می‌دهد. او هیچ فرصتی را برای تعریف و تمجید از چرم و کفش تبریز از دست نمی‌دهد: «اگرچه در آن سال‌ها به طور شبانه به تحصیل ادامه دادم ولی روزها شغلم پستاسازی بود و به همین روال ادامه دادم تا زمان بازنشستگی. البته چند سال آخر را به شغل چرم‌فروشی مشغول بودم و در حقیقت حسابدار چرم‌فروشی پدرم بودم.»

حین صحبت، چند باری از روی صندلی برمی‌خیزد و با اهالی بازار و آشنایانی که از جلوی مغازه می‌گذرند، به زبان ترکی سلام و احوال‌پرسی می‌کند. بعد در استکان‌های کمر باریک چای می‌ریزد و می‌آورد و ادامه می‌دهد: «تا قبل از سال ۹۴ شغل کفافی و پستاسازی به عنوان شغل سخت و زبان‌آور محسوب نمی‌شد اما در آن سال به خاطر چسب‌های مصنوعی و مضرى که در پستاسازی استفاده می‌شود و همین‌طور چکش کاری‌هایی که از نظر فیزیکی به زانو و مفاصل آسیب می‌زند، پستاسازی جزو مشاغل سخت و زبان‌آور محسوب شد. در نتیجه من هم که تقریباً از سال ۷۲ بیمه تامین اجتماعی بودم، با احتساب سال‌های ارفاقی، با ۱۰ سال سابقه ارفاقی مربوط به مشاغل سخت و زبان‌آور و با احتساب ۳۵ سال سابقه بیمه‌پردازی، در اول تیرماه سال ۹۵ بازنشسته شدم. اما یک دغدغه بزرگ داشتم، و آن این بود که من در دو سال آخر اشتغال، پستاساز نبودم، بلکه حسابدار بودم و شغلم هم سخت و زبان‌آور نبود. مدام پیش خود فکر می‌کردم این حق من نیست و مالی حرام وارد زندگی‌ام شده است.»



من صندوق تامین اجتماعی ذاتاً حق الناس می‌دانم و به همین خاطر خیلی برای من دغدغه شده بود که سنوات ارفاقی مربوط به دو سال پایانی اشتغالم حرام است و نمی‌توانم چنین پولی را وارد زندگی‌ام کنم